



ISSN: 2617-6548

URL: www.ijirss.com



An Overview of the Establishment and Strength of the Shir and Khurshid of Timurid Governance System

Mahdi Mysam

¹Education Faculty, Farah Institute of Higher Education, Farah, Afghanistan

(Email: mysammahdi59@gmail.com)

Abstract


Following the Mongol era and the instability of the Ilkhanis, Amo river areas and Transoxiana saw a favorable situation to turn into a great empire. Amir Timur Gorkani who had established himself as a person with great military intelligence in Transoxiana, gathered his loyal forces and with his resolution and valor founded a government that made many people from east to the west fear even by hearing his name. Timurid banners were designed with pictures of a lion and the sun that were associated with tyranny and light. This government unique characteristics had enabled it to stabilize its dominance over a great area after a short period of time. In order to recognize Timurian strong foundation, its governance must be studied. In the scope of research purposes, library methods and analyzing authentic sources of timurd authors have been used. Military arrangements based on Genghis Khan's yasai and use of public fear for conquering different areas, an economical – governmental system compatible with the situation of the time, appointing competent and reliable people for governmental posts and integrating a Mongol and Islamic government in itself answered all governmental necessities. Of course, Timur was a Muslim himself but one of those Muslims who allotted most of his time for life and governance. Forced immigration of artesian to the government's favored areas made Samarkand and Bukhara to be considered among the best cities of the world. In this work it has been tried to study Amir Timur's governance for political, economic and military stability using authentic academic resources.

Keywords: Yasa, Timurid, Seorghal, Eqta, Shir and Khurshid.

DOI: 10.53894/ijirss.v2i3.18

Funding: This study received no specific financial support.

History: Received: 3 May 2019/**Revised:** 17 May 2019/**Accepted:** 1 July 2019/**Published:** 7 July 2019

Licensed: This work is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) 

Competing Interests: The author declares that there are no conflicts of interests regarding the publication of this paper.

Transparency: The author confirms that the manuscript is an honest, accurate, and transparent account of the study was reported; that no vital features of the study have been omitted; and that any discrepancies from the study as planned have been explained.

Ethical: This study follows all ethical practices during writing.

نگرشی بر تأسیس و استحکام نظام کشورداری «شیر و خورشید» تیموریان

مهدی میثم

دانشکده تعلیم و تربیه، مؤسسه تحصیلات عالی فراه، فراه، افغانستان

خلاصه

بعد از دوره مغول و ضعف ایلخانان، منطقه خراسان بزرگ، نواحی دریای آمو و ماوراءالنهر موقعیت مناسبی برای به وجود آمدن امپراتوری بزرگی پیدا نمود. امیر تیمور گورکانی که در ماوراءالنهر توانسته بود به عنوان شخصی با نبوغ نظامی مطرح شود، توانست با منسجم نمودن نیروهای وفادار به خود، عزم راسخ و جسارتی که در جنگ های متعدد کسب کرده بود، تهداب حکومتی را بنا نهد که با شنیدن نام او لرزه به اندام خیلی از دول دنیا چه شرقی و چه غربی می انداخت. استفاده از نشان شیر و خورشید در بیرق های حکومت تیموری، سمبلی از استبداد و روشنی را تداعی می نمود. این نوع حکومت، دارای ویژگی های منحصر به فردی بوده است که توانسته در مدت زمان اندکی، سیطره خویش را بر ساحه وسیعی مستدام نماید. برای شناخت تهداب مستحکم حکومت تیموری باید شیوه حکومتداری آنها را بررسی نمود که در حیطه اهداف تحقیق و استفاده از روش کتابخانه بی و تحلیل منابع موثق نویسندگان عصر تیموری، در بستر این نوشتار قرار گرفته است. تنظیم لشکر بر اساس یاسای چنگیزی و استفاده از رُعب و وحشت همگانی برای تصرف مناطق مختلف، سیستم اداری اقتصادی مناسب با اوضاع و احوال همان عصر، گزینش افراد لایق و مورد اعتماد در پست های دولتی و تلفیق یک نوع اداره مغولی و اسلامی که در نوع خویش جوابگوی همه ملزومات دولتی بوده است. البته تیمور خود مسلمان بود ولی از آن دسته مسلمانانی که بیشتر امور را خودشان برای زندگی و حکومتداری در نظر گرفته اند. مهاجرت اجباری صنعت گران به مناطق مورد نظر حکومت باعث شد که سمرقند و بخارا جزو بهترین شهرهای دنیا به حساب آیند. در این مطالب، روش های حکومت امیر تیمور برای ثبات سیاسی، اقتصادی و نظامی با استفاده از مآخذ معتبر علمی مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: یاسا، تزوکات، سیورغال، اقطاع، شیر و خورشید.

1. مقدمه

اکثر حکومت های پا برجا و مستحکم به صورت ناگهانی سر بر نیاورده اند ولی امپراتوری هایی وجود دارد که طی مدت کم توانسته وسعت خود را به دور از تصور گسترش دهند؛ از این نمونه میتوان تیموریان را نام برد. امیر تیمور با نگرشی جدید بعد از مغولان توانست با مدغم نمودن یاسای چنگیزی و احکام اسلامی، دولت با قدرت پایه گذاری کند. درجات نظامی استفاده شده در اردوی او کاملاً مغولی بود. حتی مجازات مجرمین را بر اساس همین اصول تعیین می کرد. خشم و نترسیدن جزو لاینفک یک عسکر او بود. قتل و کشتار جزو برنامه های زیربنایی برای ثبات مملکت او محسوب می شد. سیستم مالیات او نوعی تازه بود ولی بر بعضی افراد سهولت ها بار می آورد، در کل باعث رونق منطقه شد و در اداره از ضوابط منحصر به فردی استفاده می کرد که موجب پیروزی او در جنگ های بی شماری بوده است. امیر تیمور خود حکومتی فردی تشکیل داد که قدرت گیری او به نظام کشورداری او بر می گردد [1]. امپراتوری امیر تیمور جزو نظام های برجسته و دوامدار تاریخ کهن افغانستان است که ایجاد و استحکام این نظام حکومتی، ما را با نبوغ فوق العاده کشورداری امیر تیمور آشنا می سازد هر چند دیکتاتوری جزو سیستم های منفور نظام حکومتی است ولی ژرف نگری در نوع ایجاد و جریان این نوع نظام ها خالی از لطف نیست. شناخت ساختار نظام حکومتی، طریقه نظم دهی به امور دولتی و شناخت دلایل استحکام حکومتداری امیر تیمور از اهداف این مقاله است. در این نوشتار از روش کتابخانه ای با استفاده از مآخذ موثق و نویسندگان معاصر امیر تیمور استفاده شده است.

2. تشکیل حکومت تیموری

تیمور در سال 1369 میلادی بعد از تخریب قلعه هندوان بلخ اعلان سلطنت نمود که اوضاع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اداری منطقه برای تأسیس یک حکومت مرکزی قوی مساعد بود، زیرا اختلاف باعث تضعیف نیروهای قبیله ای و محلی شده بود [2]. هم چنین اوضاع ناپسایمان منطقه بهترین موقعیت را برای اشرار فراهم نموده بود که موجب هرج و مرج در اطراف دریای آمو و خراسان بزرگ گردیده بود. دزدان راه و قطاع طریق، راه ها را از قافله ها خالی و رباطها و کاروان سراها را بی رونق ساخته بودند؛ چنانچه ویرانی و آشفتنگی شهرها را سبب گردید [3]. همزمان با کسب قدرت امیر تیمور کشور گشایی و عسکرگیری با وقفه، در چهار سمت ماوراءالنهر آغاز یافت و قلمرو خود را از سر حد چین به سواحل مدیترانه و از هند تا روسیه جنوبی توسعه داد. امیر تیمور با نبوغ فوق العاده و شرایط مناسبی که بوجود آمد امپراتوری بزرگی را تأسیس نمود که از کرانه های رود زرد گرفته تا قلب اروپا را در نوردید. این وسعت تشکیلات عمده ای را می طلبد که در زمان کم، بعید بود ولی امیر تیمور با سرسختی که داشت توانست نیروی کنترل کننده ای را بوجود بیاورد. امیر تیمور در سمرقند که مرکز امپراتوری او بود اداره ای منسجم به وجود آورد. آوازه ترسناک امیر تیمور طوری پخش شده بود که سفرای زیادی را برای مصالحه و باج دهی به دربار او رهسپار نمود که تعاریفی هر چند اغراق انگیز را با خود به دیارشان می بردند. بر فراز کاخ های تیموری شکل شیر و خورشید دیده می شد و نشان خاص تیمور سه دایره کوچک بود که مرکز هر یک رأس سه گوش نامرئی را تشکیل می داد، به این معنی که تیمور صاحب سه گوشه زیباست. امیر تیمور دستور داده بود که این نشان را بر روی سکه های او ضرب زند و به هر ساختمان نصب کنند. مهر خاص امیر تیمور نیز همین نشان بود. همه اسیران و خواجگان و پیروان امیر تیمور باید این نشان را بر سکه های خود درج می نمودند [4].

قتل عام جزو فنون اولیه مبارزه امیر تیمور بوده است تا رُعب و وحشت را در دل دشمنان خویش جای دهد. امیر تیمور سنت چنگیز را زنده نگه داشت و توانست در مدت کمی اداره ای عظیم از سرزمین های پهناور بوجود بیاورد. مهمترین ویژگی یورش های امیر تیمور عمل کرد جدی و بی رحمانه او با دشمن بود. به عنوان نمونه او در سال (789 هـ ق) در اصفهان حکم به قتل عام نمود و دستور داد 70 هزار سر از کشتگان جمع نموده به او تحویل دهند تا از آن ها کله منار بسازد؛ چنان چه در نصف حصار شهر اصفهان 28 کله منار 1500 سری ساختند و در نصف دیگر نیز اندکی کمتر از همین تعداد مناره بر پا کردند [5].

نشانه عمده سلطنت و دلیل قبول تبعیت از سلطان مانند گذشته، سکه و خطبه بود. فرمان ها با مهر رسمی سلطان، معتبر بودند. مهر رسمی یا ثمغا مهوری بود با رمز مخصوص که بر حسب اهمیت فرمان با مُرکب طلائی یا قرمز و یا سیاه زده می شد [6]. دولتی که امیر تیمور بر جای نهاد از اجزای تورکی-مغولی، اداره حکومت از عناصر تورکی-مغولی، نهادهای نظامی و عناصر بی شماری از فرهنگ اسلامی که عموماً از فرهنگ خراسانی متأثر بودند، تشکیل می شد. نسبت این اجزا با یکدیگر در هر یک از دولت های موروثی تیموری بسته به یک عقیده و میل فرمانروای وقت متفاوت بود. در این دوره قلمرو تیموری به سه بخش تقسیم گردید: الغ بیک و میرزا عبداللطیف در ماوراءالنهر، سلطان محمد در عراق، فارس و خوزستان و در آخر ابوالقاسم بابر در خراسان حکم می راند [7].

عناوین حکومتی در عصر تیموری متفاوت بوده است. سکه هایی که به تاریخ (830 هـ ق) از شاه رخ موجود است؛ عنوان سلطان اعظم را به خود دارد. ظهیرالدین محمد بابر فاتح هند اولین کسی بود که خود را پادشاه خواند این کلمه پارسی که معادل خاقان تورک است به جای امپراتور به کار می رفت و به فرمانروایان چین و ترکستان اطلاق می شد. امیر تیمور در عین حال هم سلطان و هم خاقان خوانده می شد. تیمور در مورد سفیران و مهمانان خیلی حساس بود

زیرا عزت حکومت خویش را در مهمان نوازی می‌دید. سیاح اروپایی می‌نویسد: «در این کشور رسم چنین بود که در هر منزل سفر اعم از ده یا شهر در موقع رسیدن ما فوراً خوراک برای ما بیایورند بنا بر این رسم میوه برای ما و جو برای اسبان و سه برابر بیش از آنچه نیاز ما بود می‌آوردند رئیس یا کنخدای محل موظف بود روز و شب از ما پاسبانی کند، تا به ما آسیبی نرسد [4].»

3. تقسیم ایالتی و حکومتی نظام تیموری

تیموریان ایالات محدود خویشت را به دو بخش مجزا نموده بودند. بخش اول ایالات قابل ارزش و دوم بخش ایالات کم ارزش که تومان خوانده می‌شد. اداره این ولایات مانند زمامداری یک دولت کوچک مرکزی بود. دارای سه وزیر یعنی وزیر عامه یا مالی، وزیر سپاه که حاکم منطقه مستمری‌های سربازان را به او می‌داد و وزیر املاک بی‌صاحب و بی وارث که یاری کننده حاکم منطقه بود. ایالاتی که عایدات آن‌ها قابل اهمیت و برای دولت مرکزی حیاتی بود، دو نظارت کننده داشت، یکی لشکری و یکی کشوری. دیوان برید یا سازمان اطلاعات و امنیت وسیع بود و در هر محل عاملانی وجود داشت که وظیفه آن‌ها ارتباط داشتن با حکومت مرکزی بود. بریدان، اسب سوار و شترسوار بودند، هر غفلی که در مأموریت و گزارش مرتکب می‌شدند، با شدیدترین مجازات مواجه بودند. امیرتیمور تصمیم گرفته بود که در هر شهر حداقل یک مسجد، مدرسه یا خانقاه، در مان‌گاه یا بیمارستان، شهرداری، محکمه و چندین تن پلیس یا قورچی وجود داشته باشد که در دهات قورچی به محافظان کشتزارها یاد می‌شد [8].

4. سیستم وزارت و دیوان‌ها

یکی از ابتکارات عمده امیرتیمور تغییرات زود به هنگام در دستگاه اداری بود و با جایگزین کردن نیروی‌های کاری در ادارات دولتی باعث توازن ارگان‌های دولتی می‌شد و دست فساد را کوتاه می‌کرد و لیاقت افراد را در هر پست می‌سنجید. «از جمله عادات خاقان منصور صاحب سعادت یکی آن بود که زود به عزل و نصب وزرا و دیوانیان می‌پرداخت» [9]. هیات وزیران حکومت تیموری شامل وزیر ولایات، وزیر عامه که مأموریت مسایل سیاسی، اقتصادی مالی و انتظامی بر عهده داشت، وزیر سپاه که تمام امورات نظامی در صلاحیت وی بود، وزیر ابناءالسبیل و اموال بی‌صاحب که در موارد عدم موجودیت وارث تکلیف آن‌ها روشن می‌شد، وزیر دربار شاه، وزیر سرحدات و ثغور و وزیر داخله می‌شد. این سازمان حکومتی یک صاحب دیوان عرض نیز داشت که مأموریت آن برنامه‌ریزی و ثبت تمام مسایل مطرح شده در شورا بود؛ رئیس هیات روحانیان، دو قاضی اعظم عرفی و شرعی، یک دبیر ویژه و چندین دبیر دیگر برای جلسات عمومی و یک مأمور حسابدار و اعیان دولت که به صورت منظم در شوراها حاضر می‌شدند [8]. امیرتیمور در نصب وزرا خیلی حساسیت داشت زیرا میخ‌های دولت خویش را وزارتخانه‌ها می‌دانست. امیرتیمور می‌گفت: «امر نمودم در وزرا چهار صفت احتیاط نمایند: اول اصالت و نجابت، دوم عقل و کیاست، سوم سلوک و معاشرت با سپاه و رعیت و چهارم برد باری و مسالمت؛ هر کسی به این چهار صفت موصوف باشد وی را قابل مرتبه وزارت دانند و وزیر و مشیر سازند و عنان امور مملکت و سپاه و رعیت بر وی سپارند. آنگاه وی را به چهار چیز امتیاز بخشند؛ اعتماد، اختیار و اقتدار. امر نمودم که مال و خراج از رعیت به نهجی بگیرند که موجب خرابی رعیت و ویرانی مملکت نشود که خرابی رعیت موجب کمی خزانه است و کمی خزانه باعث تفرقه سپاه و موجب اخلال مملکت و سلطنت است» [10].

منشیان دیوان‌ها تورک بودند و آنان را بخشییان و نویسندگان می‌خواندند اما هیچگاه وزیر نامیده نمی‌شدند و وظایف مشخص داشته و برای تعیین حدود آن‌ها، به نام دیوان تورک مسماء بوده و آن را دیوان سرت نیز مینامیدند. برای رفت و آمد بیگانگان در قلمرو حکومتی امیرتیمور حدود معینی وضع شده بود و برای گشت و گذار در این محدوده باید برگه تردد وجود می‌داشت. مسافران نمی‌توانستند از ولایت سمرقند به جنوب بروند مگر با جواز خاص، در جواز باید درج می‌شد که شخص مورد بحث از کجا می‌آید و بکجا می‌رود، این برای هر کس ضروری بود. اطفالی که والدین خود را گم کرده اند و یا بی‌خانمان بودند جمع می‌شدند و به آن طرف آمو دریا روان می‌شدند تا نفوس منطقه زیاد نشود [4]. جانشینان امیرتیمور به لحاظ سنن مغولی، وارث تشکیلات او بودند. نبود حکومتی متمرکز، بخصوص پس از شاهرخ و تجزیه قلمرو امیرتیمور در نیمه دوم سده نهم موجب از بین رفتن تشکیلات مغولی تیموریان شد. تفاوت اساسی در ساختار حکومتی جانشینان امیرتیمور با خود او این بود که قوانین مغولی امیرتیمور بر قوانین اسلامی برتری داشت ولی پس از روی کار آمدن شاهرخ در (815 هـ.ق) قوانین یاسا را لغو کرد و فقه اسلامی را جانشین آنها نمود. پس از او نیز ابوسعید سلطان حسین بایقرا به رعایت سنن اسلامی پایبند ماند [11]. ابن عربشاه سمرقندی می‌نویسد: «گفته اند: که شاهرخ یاسای چنگیز را به کار نبرد و در فرمود که سیاست ملک بر اساس قواعد اسلامی گذارد و مرا این سخن درست نیاید که اعتماد ایشان بران کیش بسیار صریح و آشکار می‌بود» [12].

5. طبقات مقامات حکومتی

امیرتیمور مردم را به دوازده طبقه تقسیم کرده بود. اما امیر علی‌شیر نوایی در زمان سلطنت سلطان حسین بایقرا افراد مملکت را به سی و چهار دسته تقسیم نموده که نموداری از انواع اشتغالات همانند ایران باستان و هندوستان است [13]. 1- فرمانروا، سلطان 2- بگ‌ها یا امرا 3- نایب‌ها 4- وزراء 5- صدور یا قضات عالی رتبه 6- یساولان 7- گارد ملی یا یساغلیق 8- قضات 9- مفتی‌ها یا مفسرین بزرگ قوانین مذهبی 10- معلمین یا مدرسان 11- اطباء 12- شعراء 13- نساخ 14- صاحبان مکاتب 15- امام‌ها یا سرپرستان مساجد 16- قاریان قرآن 17- حفاظ قرآن 18- قصه‌گویان 19- وعاظ 20- رقاصان و آوازه خوانان 21- منجمین 22- کسبه بازار 23- خرده فروشان و پیشه‌وران 24- شهنه‌ها و فرماندهان نیروهای ملی 25- داروغه‌ها 26- گارد شب یا عسس 27- نرزان و قاتلان 28- غریب زادگان 29- گدایان 30- قوشچی و شکارچیان 31- نوکران 32- شیخ‌ها 33- دراویش 34- متأهلین، مردان یا کنخدایان و زنان یا کدبانو [8].

6. تزوکات تیموری

با اینکه امیرتیمور در محیط اسلامی تربیت یافته بود و به عقاید اسلامی پایبندی داشت اما نظر به احترامی که برای خاندان چنگیز قائل بود حکومت خود را دنباله حکومت مغولان معرفی می‌کرد و لذا قسمتی از یاسای چنگیزی را با اصول اسلامی تلفیق کرده قواعدی را که به تزوکات تیموری معروف است، ترتیب داد [11]. این قواعد فقط در امور لشکر و نظامی اعتبار داشت به عنوان نمونه، ترخان‌ها می‌توانند تا 9 بار بدون مجازات مرتکب جرم شوند (آن‌ها کسانی بودند که بدون اجازه به حضور خان شرف یاب می‌شدند و از پرداخت مالیه معاف بودند) [14] و در امور کشوری از همان اصول اسلامی استفاده می‌کرد ولی بعضی از قوانین تشکیلاتی چنگیز از جمله تشکیل قوریلنای و استناد بر یاسای چنگیز در موردی که با اسلام در تضاد نبود تا مدتی در دولت تیموری حفظ شد و محاکم عرفی بر اساس قوانین یاسا بود. ولی بفرمان شاهرخ منسوخ شد و منحصر به قوانین فقهی اسلام گردید [6]. سرسختی تیمور بخاطر پا بر جا کردن قوانین اسلامی مدغم با یاسای مغلی باعث در گیر شدن علما و روحانیون با او شد. امیرتیمور قواعد یاسای چنگیزی را در طریقه شرع محمدی به کار می‌بست و مردم جغتای و اهل دشت قباچاق و ترکستان همگی روش او را پیروی می‌کردند. از اینرو شیخ حافظ الدین بزازی و محمد بخاری از علما و پیشوایان اسلام به کفر امیرتیمور و کسانی که قواعد چنگیز را بر ملت اسلامی بر گزیده بودند، فتوا دادند [12].

7. قضاوت

امیرتیمور در مورد مجازات مجرمان سخت‌گیر بود و در کنار خیمه‌های متعددی که داشت از مجریان عدالت نیز استفاده می‌کرد. هنگام سفر جنگی گروهی مأموران اجرای عدالت با خود داشت که عدالت را چه در اردوگاه و چه در کاخ اجرا می‌کردند و به صورت سیار این قضاوت هر جا می‌رفتند. قضاتی مخصوص داوری در امور جناحی و خونریزی و قضاتی که مخصوص رسیدگی به امور اختلاس و حیف و میل بودند. قضاوت و مأمورانی که مسئول کارهای مأمورین حکومتی بودند؛ به سه دسته تقسیم می‌شدند، هر جا که امیرتیمور می‌رفت و چادر می‌زد سه چادر می‌افراشتند و کار را شروع می‌کردند. تعلق در مورد هیچ مجرمی نداشت حتی کسانی را که خود می‌گماشت، با برخورد قاطع نظارت می‌کرد و در صورت تخلف مجازات سخت می‌نمود. شخصی

به نام دینا که داروغه و شحنة شهر بود حاکم سمرقند نمود و آهنگ لشکر کشی کرد، اما پس از مراجعت متوجه شد که او خیانت کرده و به مردم ظلم نموده است او را بی درنگ محاکمه کرد بیرون بردند و بردار آویختند. مردم طبقه بالاتر را در صورت محکومیت بدار می‌آویختند ولی عوام را گردن می‌زدند. چون بیدیه تاتارها سربریدن کاری بود پست و وحشت‌زا و بی‌احترامی محسوب می‌شد [4].

8. نظامی‌گری

در مواقع جنگ کلیه امرای دوازده‌گانه، فرماندهان ده صد و هزار نفری می‌بایست با کلیه تجهیزات همراه با دوازده هزار سوار در مقر خود حضور داشته باشند. این دسته دوازده هزار نفری به چهار فوج تقسیم می‌شدند که می‌بایست یک فوج در برانغاز یا جناح چپ و دیگری در برانغاز یا جناح راست و دو گروه هم در جلو و قلب لشکر و هر کدام به فاصله نیم فرسنگ موضع گرفته و آماده حمله باشند. امیر تیمور استحکامات قوی نظارتی بر اردوی خویش داشت و اساس ماندگاری خویش را هم در آن می‌دید به همین دلیل از فنون چنگیز در القای اهداف خویش استفاده می‌کرد و ترتیبات جنگی و فوجی را از او به عاریه گرفته بود [15].

امیر تیمور حساسیت خاصی به بخش نظامی داشت و یکی از پایه‌های اصلی کشورداری خویش را بر اساس انتظامات نظامی می‌دانست. امیر هزاره که به نام مینگ‌باشی یا مین‌باشی نیز یاد می‌شد، فرمانده گروه هزار نفری بود و هر گروه برای خود خیمه، اسب و سلاح مخصوص داشت. مسن‌باشی شخصی بود که امیرانی به نام امیر اول، دوم، سوم و چهارم را تحت نظارت داشت. امیر تیمور به آن دسته از فرماندهان جنگی که در جنگ از خود شایستگی و شجاعت نشان می‌دادند، حکومت منطقه‌ای را محول می‌نمود. امیران و سپاهیان اجازه نداشتند در مجالس خوشی در دیوان‌خانه بی‌کلاه، موزه، سرموزه، جامه، جامه‌گریبان‌دار و شمشیر حضور یابند. در میزان حقوق و مواجبات سپاهیان نظمی حاکم بود، حقوق و مواجبات سپاه را عطف می‌نامیدند. در شهرهای مهم هر محله یک رئیس انتظامات یا کوتوال داشت. قورچی‌ها در شهرها و دهات فعالیت داشتند. علاوه بر این شحنة‌ها یا فرماندهان قوای نظامی که پساوان خوانده می‌شدند، ترتیب و تنظیم تشریفات را نیز به عهده داشتند. محتسبان دیگر قوای انتظامی بودند که بازرسی بازارها، اوزان و اندازه‌ها مسوولیت آنها بود. داروغه‌ها که در کنار بازرسی و طیفه‌نظارت شهری را نیز به عهده داشتند [10].

مأموران انتظامی شب (عسس) و آن عده از مأموران که مسئول حفظ جان مسافران و مال التجاره بودند، قراسواران خوانده می‌شدند. عسکر به خانه هیچ کسی بدون اجازه داخل نمی‌شد. اردوی امیر تیمور زیر نظر شدید شخص خودش و نظم حاکمه بوده‌است. سپاهیان چون از خزانه معاش می‌گرفتند از دست درازی به اموال مردم بر حذر بودند. دیوان توأچی دستگاهی بود که تمامی امور لشکری هرات و ایالات مربوطه را سامان می‌داد و کسی که در رأس آن قرار داشت، قدرت آن را داشت که یک جریان سیاسی نظامی بسیار قدرتمند را رهبری کند حوزه اختیارات امیران دیوان توأچی به مراتب گسترده‌تر از وزیر دیوان مال بود. امیر دیوان توأچی نه تنها در حوزه امور نظامی اختیارات داشت بلکه در فرمان مربوطه به گونه‌ای نظارت بر کار دربار نیز به عهده او نهاده شد [16].

9. سیورغال و اقطاع

زمین‌داری‌های وسیع یا تیول‌داری، زیر بنای مادی نهاد نظامی دولت تیموری محسوب می‌شد که ابتدا شاه زاده گان و فرماندهان بلند رتبه نظامی و در اخیر رؤسای قبیایل از آن بهره‌مند می‌گردیدند. اختلاف مهم در روش حکومتی امیر تیمور و ارثانش نحوه سپردن اقطاع بود. فرمان‌روایان بعد از امیر تیمور خود را سلطان می‌نامیدند و قدرت زیادی برای خود قایل بودند؛ این حکام چون اقتدار امیر تیمور را نداشتند برای تثبیت قدرت و حفظ منافعیان به حمایت نظامیان نیاز داشتند و چون خزائن دولتی بر اثر نزاع و اوضاع نابسامان داخلی خالی شده بود مجبور به دادن جاگیر یا سیورغال به امیران و حاکمان محلی شدند [17]. در اواخر دوره تیموریان این نوع بخشش به علما، هنرمندان و شاعران نیز صورت می‌گرفت. این رویکرد قدرت حاکمان تیموری را افزایش نداد بلکه موجب فقر و تضعیف قدرت تیموریان و زوال این خاندان نیز شد [11].

از آغاز حکومت شاه‌رخ سیورغال که شکل توسعه یافته اقطاع بود نیز دیده می‌شود و هدیه پادشاه به افرادی بود که در خدمت وی بودند. دارنده سیورغال در برابر صاحب آن موظف می‌شد، شخصاً در سپاه خدمت کند و تعداد معینی سپاهیان مسلح در اختیار حکومت قرار دهد، که در ازای آن در منطقه خود از پرداخت خراج و مالیات معاف شوند و حق داشت مالیات را از اهالی برای خود حصول کند. بر خلاف اقطاع این مصونیت نه تنها به مالیات بلکه به حق حاکمیت اداری و قضایی اداره مرکزی ایالات مربوط می‌شد. سیورغال به مرور زمان به شکل موروثی درآمد و دیگر محدود به نظامیان ذنبع نبود؛ بلکه به افراد غیر نظامی نیز اعطا گردید. امیر تیمور برای رضامندی لشکریان و صاحبان نفوذ در حیطه حکومت خود زمین‌های مفتوحه و حتی غیر مفتوحه مستعد را بین آنها تقسیم می‌کرد و این کار ضمانتی برای تعهد آنها به حکومت تیموری بوده‌است. امیر تیمور سیستم اقطاع را حفظ کرد و به افسران و امرای بزرگ اقطاع فراوان داد [17].

10. نظام مالیاتی

چون بازرگانی به علت امنیت راه‌ها شکوفا شده بود سیستم مالیاتی‌گیری آن‌ها متفاوت بود و در هر جا متناسب با تجارت آن تفاوت داشت. از بازرگانانی که از هند می‌آمدند و به آن طرف سمرقند میرفتند مبالغ هنگفتی به نام باج می‌گرفتند، سالانه عواید زیادی از این باج‌ها و راه‌داری به خزانه دولت واریز می‌شد. در عصر تیموریان نوعی مالیات هم از تجار و صنعت‌گران دریافت می‌شد که به آن ثمغا می‌گفتند. الغ بیک به ثمغا یعنی مالیات بر تجارت و صنعت بیشتر اهمیت میداد. این نوع مالیات از نظر روحانیان شرعی نبود و این عمل الغ بیک را علامتی از علایم کفر او قلمداد می‌کردند برای جلب رضایت این قشر بارها دستور مسکوت و بلا اجرا گذاشتن این قانون صادر گردید، لیکن پس از مدتی دو باره به جریان افتاد و بنا بر اطلاعات موجود در زمان حکمرانی الغ بیک قانون ثمغا به طور کامل اجرا میشد و امهالی در کار نبوده‌است؛ او مقرراتی راجع به مالیات وضع نمود، تخفیف در مالیات و هرکسی زمین بایر را آباد می‌کرد مالک آن می‌شد [18]. از انواع دیگر مالیات‌ها می‌توان به قیچور یا مالیات گله اشاره کرد. همچنین در مواقع حساس و هنگام لشکر کشی‌ها برای تأمین بنیه مالی دولت وجوهی از مردم دریافت می‌گردید. هنگامی که دولت ضعیف می‌شد مالیات به دو برابر و گاهی بیشتر افزایش می‌یافت. سال (861 هـ ق) در خراسان به نام سه تن از میرزایان یعنی میرزا شاه محمود، میرزا سلطان ابراهیم و سلطان ابوسعید از مردم مالیات دریافت مینمودند. مالیات معمول مالیات مستقیم بود که از املاک مزروعی گرفته می‌شد. در آن دوره مالیات غیر مستقیم و نیز مالیات شخصی و مالیات بر اموال منقول وجود نداشت. مالیات مزروعی برحسب نوع آبیاری مزروعی از ربع تا ثلث محصول ترقی می‌کرد. تیمور و شاه‌رخ بخصوص مراقبت داشتند که رعیت مورد اجحاف محصولان مالیاتی و مأموران حکام قرار نگیرند [9].

11. آبادانی و تجارت

شاه‌رخ میرزا، بایسنقر میرزا، الغ بیک و گوهر شاد بیکم به سبب علاقه‌ای که به آباد ساختن شهرها و بهبود وضع زندگی مردم داشتند بسیاری از ویرانی‌های امیر تیمور را جبران کردند. در این دوره هرات، سمرقند، تبریز و شیراز که مراکز عمده تیموریان بود، آباد شدند و خصوصاً هرات و سمرقند که حیثیت پایتخت را داشت، گذشته از اینکه وسعت یافتند ابنیه، قصور، باغ‌ها، مساجد و مدارس متعددی در هر یک از این شهرها اعمار گردید که نمونه آنها جزو موارث فرهنگی است [14]. در منابع آمده‌است: «در زمان هیچ پادشاهی خطه یزد چنین معمور نبوده‌است که در زمان حضرت سلطان اعظم شاه‌رخ بهادر که هزار خانه، دکان، مدارس، خانق، حمامات و بساطین مجدداً تعمیر یافته‌است» [19]. در شرق ارتباط شاه‌رخ با دربار چین در سال (811 هـ ق) تأمین گردید، هرات مرکز حکومت تیموریان شد روابط محکمی میان دربار هرات و خاندان مینگ چین برقرار گردید و سفیران مختلفی به دربارهای یکدیگر فرستادند و از همین طریق هنر چینی بر مکتب هنری هرات یعنی مکتب بهزاد تأثیر گذارد، این داد و ستد‌ها باعث شد که روابط نیک بین همسایه‌های تیموریان شکل بگیرد و استحکام نظامی بوجود بیاید [20]. در زمان زمامداری تیموریان نظام فیودالی و ارباب رعیتی از نگاه اقتصادی بر جامعه حاکم بود و

دو طبقه مشخص اجتماعی زمین‌دار و دهقان به زنده گی ادامه می‌دادند و در قبال آن شاه با دستگاه وسیع حکومتداری حاکم مطلق العنان پنداشته می‌شد و اراده هیچ کسی بر آن مسلط نبود و همیشه شاه پشتیبان طبقه زمین‌دار به حساب میرفت و زمین-داران نیز پیش پای وی سرتسلیم فرود می‌آوردند [16]. البته نباید مستتر کرد که تیمور اشتباهات فراوانی در زمینه قدرت دادن به بعضی افراد انجام داد زیرا بعد مرگش باعث تشنج شد و اهل علم و دانش و اهل جنگ را تفاوت می‌داد و همه چیز را برای بدست آوردن قدرت می‌خواست. رساله مناظره تیغ و قلم اثر خواجه مسعود قمی بازتاب نظری رقابت میان اهل شمشیر و اهل قلم است که در سال (868 هـ.ق) سروده شده و مضمون آن گفت و گوی میان تیغ و قلم است که انعکاس رقابت‌های علمی میان تورکان و تاجیکان می‌باشد [21].

12. نتیجه گیری

امیر تیمور بر اثر نبوغ و بستر مناسبی که در منطقه به خاطر اوضاع نابسامان بعد از مغولان به وجود آمده بود، توانست، حکومتی با اجزای به هم پیوسته و قدرتمند تشکیل دهد با استفاده از یاسای چنگیزی و ادغام آن با قوانین اسلامی نظام حکومتی منحصر به فردی در چوکات فرامینی به نام تزوکات تیموری شکل داد. نظام حکومتی او دارای وزارت خانه‌ها و دیوان‌های اداری منسجم که نصب افراد بر اساس نوعی شایسته سالاری بوده است. طبقات حکومت تیموری موجب تفکیک وظایف و قدرت مندی قضاوت، باعث به وجود آمدن ادارات بدون فساد گردید. نظامی‌گری منظم و منضبط حاکم و فرمان بردار، به توسعه و پیشرفت سرحدات تیموری کمک شایانی می‌نمود. سیستم مالیاتی درست و قانونمند و دادن سیورغال و اقطاع به اراکین دولتی همچنان روابط نیک با همسایه‌ها موجب دوام و ثبات حکومت تیموری را به همراه داشته است. از قدرتمندی قضاوت و نظامی‌گری حکومت شیر و خورشید تیموریان میتوان در نظام‌های دولتی عصر حاضر استفاده نمود.

References

- [1] Abdolhossein, *Historical documents and correspondence of Iran from Timur to Shah Ismail*. Tehran: Scientific and Cultural Publications, 1991.
- [2] A. Mohammad, *Herat in the Timurid era*. Herat: Ahrari Publications, 2011.
- [3] Abolfazl, *The political and social situation of Iran in the eighth century AH from the fall of the Ilkhanids to the formation of the Timurids*, 2nd ed.: Ferdowsi University of Mashhad, 2005.
- [4] Clavijo, *Clavijo's travelogue*. Translated by Massoud Rajabnia. Tehran: Scientific and Cultural Publications, 1374.
- [5] Ashtiani, *The rise of Timur*, by Mir Hashem Mohaddes. Tehran: National Works Association Publications, 1981.
- [6] H. S. Mirjafari, *Political, social, economic developments. And Iranian culture in the period Teymourians and Turkmens*. Isfahan: Samat Publication, 2009.
- [7] D. Samarkandi, *Tazkereh Shoara*. By Edward Brown. The Netherlands: Leiden Publishing, 1318.
- [8] Baqer, "Teymourian civilization," *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*, pp. 65-80, 1343.
- [9] Khwandmir, *History of Habib Al-Seer. Volume 3*, by Mohammad Dabir Siyaghi and Homayi. Tehran: Khayyam Publications, 1333.
- [10] Hosseini, *Teymukat Teymouri*. Tehran: Asadi Publications, 1342.
- [11] Tabibi, *History of Herat in the Timurid era*. Tehran: Helmand Publications, 1989.
- [12] Samarkandi, *Wonders of the possible. The amazing life of Timur*. Translated by Mohammad Ali Nejati. Tehran: Fars Publications, 1356.
- [13] W. P. Lady, *Biography and works of Amir Ali Shir Navai*. Tehran: Al-Huda Publications, 2008.
- [14] Yarshater, *Persian poetry in the era of Shahrokh*. Tehran: Tehran University Press, 1383.
- [15] Brion, *I am Timur Jahangsha*, translated by Zabihullah Mansouri. Tehran: Mostofi Library Publications, 1372.
- [16] M. Farahani, *The link between politics and culture in the era of the decline of the Timurids and the rise of the Safavids*. Tehran: University of Tehran Press, 2002.
- [17] Ghobar, *Afghanistan on the path of history*. Kabul: Kabul Government Printing House, 1346.
- [18] Barthold, *History of the unseen and his time*. Translated by Hossein Ahmadipour. Tabriz: Chehreh Publications, 1336.
- [19] a.-K. Ali, *The new history of Yazd*. Tehran: Yazd Publications, 1317.
- [20] Mehdi, *History of Iranian Industries after Islam*, translated by Mohammad Ali Khalili. Tehran: Jam Publications, 1320.
- [21] S. Qomi, *Debate and Pen Debate*, by Seyyed Ali Al-Davood. Tehran: Toos Publications, 1997.